

امنیت هسته‌ای پاکستان:

چالش در حال تشدید

اسماعیل بشری*

چکیده

پاکستان در رقابت با هند و باهدف ایجاد نیرویی بازدارنده در برابر این کشور سرانجام در ۲۸ نوامبر سال ۱۹۹۸ دست به آزمایش هسته‌ای زد و عملاً به جرگه کشورهای هسته‌ای پیوست. آزمایش هسته‌ای پاکستان و همچنین هند در زمان خود اگرچه با واکنش منفی قدرت‌های بزرگ جهان رویه‌رو شد ولی این واکنش تنها به وضع تحریم‌هایی نسبتاً محدود منجر گردید و هیاهوی مخالفان پس از چندی فرو نشست. ایالات متحده علی‌رغم نگرانی از این موضوع، تا پیش از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از اتمی شدن پاکستان احساس تهدید چندانی نمی‌کرد ولی واقعه مذکور که بانیان آن در افغانستان مأوا داشتند و پیش از اقدام مذکور بیشترین همکاری را با آی‌اس آی سرویس اطلاعات ارتش پاکستان داشتند، امریکا را به شدت هراسناک کرد. از طرف دیگر تشدید قدرت اسلام‌گرایان تندرو در داخل پاکستان و بحرانی شدن اوضاع داخلی این کشور بر شدت نگرانی‌ها افزود به طوری که رفته‌رفته مسئله امنیت تأسیسات هسته‌ای پاکستان به یکی از مسائل عمده پیش روی غرب تبدیل گردید. ایالات متحده در حال حاضر می‌کوشد ضمن تقویت جایگاه ژنرال پرویز مشرف، رئیس جمهوری پاکستان، به وی در زمینه ایجاد سامانه‌های مناسب حفاظتی برای تأمین امنیت تأسیسات هسته‌ای این کشور کمک کند و در عین حال امکان دخالت مستقیم نظامی در پاکستان، در صورت سقوط قهرآمیز دولت مشرف را به منظور تحت کنترل گرفتن تأسیسات مذکور از نظر دور نمی‌دارد.

کلید واژه‌ها

معاهده منع اشاعه هسته‌ای (NPT)، دست‌های ایمن، سرویس اطلاعات ارتش پاکستان، طالبان، القاعده، ایالات شمالی، پرویز مشرف، زرادخانه هسته‌ای، امنیت تأسیسات، بخش طرح‌های استراتژیک، نیروهای ویژه.

Emali: is_Bashar@yahoo.com

* پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

تاریخ پذیرش: ۸۷/۰۴/۱۳

تاریخ ارسال: ۸۷/۰۲/۱۴

فصلنامه راهبرد / سال شانزدهم / شماره ۴۸ / تابستان ۱۳۸۷، صص ۳۰-۱۷

درآمد

افزایش تنش میان گروه‌های سیاسی پاکستان با دولت این کشور، ادامه بحران در ایالت سرحد و درگیری مداوم ارتش پاکستان با ستیزه جویان افراطی، ناکامی نیروهای امریکایی در ریشه کن کردن القاعده از افغانستان و در مقابل گسترش نفوذ این تشکیلات در جنوب افغانستان و ایالات شمالی پاکستان، برخی از تحلیل گران و سیاست مداران غربی را نسبت به امنیت هسته‌ای پاکستان بیمناک کرده است. تضعیف کنترل دولت مرکزی بر رویدادهای کشور و تبدیل آن به دولتی ورشکسته این احتمال را به وجود می‌آورد که کنترل تسلیحات هسته‌ای پاکستان به دست عناصر افراطی به ویژه ایادی القاعده بیافتد که در آن صورت نه تنها هند، بلکه تمامی منطقه و همچنین امریکا و غرب با خطر بالقوه به کارگیری این سلاح مواجه خواهد شد.

جمهوری اسلامی پاکستان از بدو تأسیس به دلیل باقی ماندن مسائل بسیار در روابط این کشور با جمهوری هند از جمله مسئله کشمیر (که این دو کشور را درگیر جنگ‌های متعدد نمود و از مهم‌ترین عواقب آنها جدا شدن بخش شرقی پاکستان و تشکیل کشور بنگلادش در سال ۱۹۷۱ در آن بخش بود)، تمامیت ارضی خود را از جانب هند در خطر دیده است. استراتژی سیاسی و نظامی پاکستان را همواره چگونگی

مقابله با این تهدید تعریف کرده است. در مقابل، هند که با چین و پاکستان اختلافات ریشه‌ای دارد بیشترین تلاش را برای افزایش توان نظامی خود به کار برده که عمده‌ترین آن مصروف دستیابی به سلاح هسته‌ای گردیده است. پاکستان نیز به تبعیت از هند در این راه گام برداشت و در فاصله اندکی پس از آزمایش هسته‌ای هند چند وسیله هسته‌ای را منفجر کرد و همراه با هند به جرگه قدرت‌های دارای سلاح هسته‌ای پیوست. هیچ‌یک از این دو کشور به معاهده منع اشاعه هسته‌ای (NPT) نپیوسته و کمترین همکاری را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته‌اند. هر دو کشور با وجود تعقیب برنامه‌های مخفیانه هسته‌ای کمتر به پنهان‌کاری در مورد اصل فعالیت‌های هسته‌ای خود می‌پرداختند و تقریباً بر همه آشکار بود که این دو کشور پیگیر موضوع دستیابی به سلاح هسته‌ای هستند. با این وجود قدرت‌های بزرگ نه تنها دست به اقدامات بازدارنده در برابر این فعالیت‌ها نزدند بلکه در پاره‌ای موارد به این روند کمک کردند.

سرانجام در ۲۸ نوامبر سال ۱۹۹۸ و حدود دو هفته پس از آزمایش هسته‌ای هند، پاکستان نیز دست به این کار زد. هرچند این اقدامات تحریم‌های بین‌المللی به ویژه از جانب ایالات متحده را علیه این دو کشور در پی داشت اما

درآورد. به دلیل ابعاد گسترده تلفات و همچنین بازتاب جهانی واقعه ۱۱ سپتامبر که توسط گروهی صورت گرفت که خاستگاه و پایگاه عملیاتی آن در خاورمیانه و آسیای جنوب غربی بود، ایالات متحده ضمن اعلان جنگ جهانی علیه تروریسم، تمرکز حساسیت‌های امنیتی خود را در این منطقه قرار داد و جهان را به همکاری با خود در این زمینه فرا خواند.

تصور اولیه امریکا در جنگ در افغانستان این بود که می‌تواند با تکیه بر تسلیحات پیشرفته خود و حتی استفاده از بمب‌های سنگر شکن هسته‌ای با قدرت انفجار پایین، گروه‌های طالبان و القاعده را ریشه کن کرده و پس از آن به سراغ سایر کشورهای مظنون به همکاری با تروریست‌ها رفته و آنها را نیز وادار به تمکین در برابر خواست‌های خود کند، اما با گذشت بیش از پنج سال عملیات جنگی و تعقیب و گریز نه تنها هنوز نتوانسته است این گروه‌ها را در افغانستان با شکست کامل مواجه نماید بلکه دامنه فعالیت‌های این گروه‌ها در بخش پهناوری از سرزمین پاکستان نیز گسترش یافته است. نزدیک به سه دهه فعالیت مدارس مذهبی ساخته و پرداخته سرویس اطلاعات ارتش پاکستان (ISI)^۲ با کمک‌های مالی عربستان سعودی و

تحریم‌های اعمال شده نیز دوام چندانی نیاوردند و حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نه تنها مهر پایانی به آنها زد بلکه برعکس کمک‌های ایالات متحده را راهی دو کشور هند و پاکستان نمود. به این ترتیب هند و پاکستان پس از یک دوره بسیار کوتاه دیگر معارضی در برابر هسته‌ای شدن خود نیافتند.

از نظر ایالات متحده و متحدانش، هند به دلیل برخورداری از یک نظام سیاسی دموکراتیک و باثبات و همچنین مواجه نبودن با چالش‌های جدی داخلی واجد توانایی لازم برای حراست و حفاظت از تسلیحات هسته‌ای خود است و از این نظر از اعتماد نسبتاً کامل بین‌المللی برخوردار می‌باشد. اما پاکستان از چنین شرایطی برخوردار نیست و همین امر موجبات نگرانی شدید بین‌المللی را سبب گردیده است.

دست‌های ایمن: معمای پیش روی سلاح هسته‌ای پاکستان

خودنمایی تروریسم بین‌المللی و امکان بهره‌جویی تروریست‌ها از فناوری‌های نو، آن گونه که فرقه آئون^۱ در حادثه متروی توکیو و یا گروه القاعده در واقعه ۱۱ سپتامبر از آن سود می‌جستند زنگ خطر پرطنینی را برای جهانیان به‌ویژه کشورهای غربی و صنعتی به صدا

1. Aun Shinrikyo Cult
2. Inter - Service Intelligence

امارات متحده عربی و یاری فکری و تجهیزاتی ایالات متحده منتج به تربیت جمع کثیری از اسلام‌گرایان تندرو با گرایش وهابی در افغانستان و پاکستان گردیده و حتی جمعی از این افراد جذب سرویس اطلاعات ارتش پاکستان شده‌اند.

اگرچه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده، پاکستان را به تحدید فعالیت‌های مدارس مذهبی یادشده و اعمال نظارت بر گردانندگان این مدارس ترغیب کرده و در این زمینه کمک‌های مالی و تجهیزاتی نیز به پاکستان کرده است، ولی گستردگی حضور تعلیم‌دیدگان این مدارس در ایالات شمالی پاکستان به حدی است که این تلاش را تا حد زیادی با ناکامی مواجه ساخته است. علت اصلی این ناکامی را می‌توان در نگاه امنیتی متناقض سرویس اطلاعات ارتش پاکستان به پدیده بنیادگرایی مذهبی به عنوان ابزاری برای تأمین منافع ملی پاکستان و یا برعکس، یعنی تهدیدکننده این منافع یافت.

پاکستان در جریان مبارزه مجاهدان افغانی علیه نیروهای اشغالگر روسی و حکومت دست‌نشانده آنها در افغانستان از یک سو در پی جلوگیری از پیروزی اشغالگران در افغانستان و در نتیجه حفاظت از خود در برابر خیز احتمالی بعدی اتحاد شوروی برای درنوردیدن پاکستان و

رسیدن به آب‌های اقیانوس هند و دریای عرب بود و از طرف دیگر به وجود آوردن گروهی طرفدار پاکستان و به قدرت رساندن این گروه در افغانستان پس از شکست و خروج نیروهای ارتش سرخ از خاک این کشور بود. گروه مورد نظر آی.سی.آی همان گروه طالبان بود که با کمک‌های مالی عربستان سعودی و امارات متحده عربی و تسلیحاتی ایالات متحده و آموزشی پاکستان شکل گرفته بود. این گروه می‌توانست در صورت به دست گرفتن قدرت در افغانستان دعوی قدیمی مرزی بین دو کشور را که قدمتی یک صد ساله داشت (و از هنگام امضای قرارداد مرزی موسوم به قرارداد دیوراندا^۳ در سال ۱۸۹۳ بین امیر عبدالرحمان خان پادشاه وقت افغانستان و قدرت استعماری حاکمه بر هند به وجود آمده بود) مختومه نماید. افغان‌ها هیچ‌گاه این قرارداد را که منجر به انضمام مناطق مهم پشتون‌نشین و بلوچ‌نشین افغانستان ابتدا به هند و سپس در سال ۱۹۴۷ به پاکستان شد، نپذیرفته‌اند. حتی معتدل‌ترین افغان‌ها این قرارداد را یک صدساله دانسته و انتظار داشتند که پاکستان در سال ۱۹۹۳ این سرزمین‌ها را به افغانستان بازگرداند. نکته جالب این است که حتی طالبان نیز پس از دستیابی به قدرت در کابل حاضر به پذیرش قرارداد مرزی نشدند.

3. Durand Line

«آی اس آی» از طرف دیگر پدیده بنیادگرایی مذهبی را تهدیدی علیه امنیت پاکستان و سوق دادن آن به سمت آشوب و هرج و مرج و لجام گسیخته و غیرقابل کنترل می داند و سعی در کنترل این جریان به شدیدترین نحو ممکن دارد.

سیاست مداران و تحلیل گران سیاسی سکولار دو آفت بزرگ برای پاکستان را نظامیان و بنیادگرایان می دانند. از نظر این افراد نظامیان با به رخ کشیدن دائمی تهدید هند، سعی در تحکیم جایگاه خود در سلسله مراتب قدرت در پاکستان دارند و بنیادگرایان با گسترش افکار واپس مانده و اشاعه تروریسم حاکمیت ملی را در این کشور به مخاطره می اندازد. به گفته آصف علی زرداری در گفتگو با روزنامه ایندپیندنت، ترس وی از این است که پاکستان به طور کامل فروپاشد و به سومالی دیگری تبدیل گردد.

در چنین شرایطی که اوضاع داخلی پاکستان چه از لحاظ چالش احزاب سیاسی نظیر مردم و مسلم لیگ با دولت ژنرال پرویز مشرف، یا فعالیت های افراطیون مذهبی به ویژه اهل سنت در دامن زدن به اختلافات مذهبی میان اهل سنت و شیعه و از همه مهم تر فعالیت این افراطیون در ایالت سرحد و هفت منطقه آزاد شمال پاکستان یا چالش های دائمی دولت مرکزی در بلوچستان پاکستان رفته رفته رو به وخامت می گذارد.

توجه مقامات رسمی و غیررسمی امریکا معطوف به مسئله دست های ایمنی می شود که قرار است در هر شرایطی تأسیسات، تجهیزات و تسلیحات هسته ای پاکستان را از دسترس عناصر افراطی دور نگه دارند.

بر همین اساس علاوه بر مقامات رسمی دولت امریکا موسسات مختلف تحقیقاتی این کشور نظیر امریکن اینترپرایز^۴ بنیادهریتیج^۵ حتی در روزهای تعطیل سال نو به بررسی بی آمدهای ترور خانم بی نظیر بوتو برای امنیت آتی پاکستان پرداختند. موسسه تحقیقاتی امریکن اینترپرایز که به حزب جمهوری خواه نزدیک است و برخی از تندروترین محافظه کاران و نومحافظه کاران نظیر نیوت گینگریچ^۶، پل ولفوویتز^۷ و مایکل لدین^۸ در آن عضویت دارند، همایشی را در دوم ژانویه ۲۰۰۸ تحت عنوان «بحران پاکستان و سیاست امریکا» برگزار کرد و در این همایش یک روزه به بررسی بحران اخیر پاکستان و ریشه یابی وقایع پرداخت. از جمله نکاتی که در این همایش مطرح شد این بود که بسیاری پرویز مشرف را متهم به دخالت در قتل خانم بوتو می کنند و اگر چنین نیست، پس وی به حد کافی ضعیف شده است تا نتواند از وقوع چنین پیشامدی جلوگیری

4. American Enterprise 5. Heritage Foundation
6. Newt Gingrich 7. Paul Wolfowitz
8. Michael Ledeen

نماید. اگرچه ایالات متحده و ناتو در تلاش برای یافتن راه‌هایی برای تشویق اسلام‌آباد به جنگ با سیتزه‌جویان طالبان در مناطق امن پاکستان هستند، اما چنین اقدامی ممکن است پاکستان را در بحران داخلی ژرف‌تری فروبرد.

در همایش مذکور پرسش‌هایی مطرح شد که هر یک جای تأمل دارد.

- چه کسی پاکستان را کنترل می‌کند؟

- آیا انتخابات پارلمانی طبق برنامه پیش خواهد رفت؟

- مرگ بوتو چه تأثیری بر روند دموکراسی در پاکستان خواهد گذاشت؟

- ناتو و ایالات متحده در مصاف با القاعده و طالبان در منطقه آزاد قبیله‌نشین پاکستان به چه عملیاتی دست خواهند زد؟

- آیا از زرادخانه هسته‌ای پاکستان به خوبی حراست می‌شود؟

قبل از وقایع اخیر نیز نگرانی در مورد آینده سیاسی پاکستان موسسات پژوهش آمریکا را به تکاپو واداشته بود به گونه‌ای که افرادی نظیر مایکل اوهانلون^۹ از موسسه بروکینگز^{۱۰} نزدیک به دموکرات‌ها و فردریک کاگان^{۱۱} از موسسه امریکن اینترپرایز در پژوهشی مشترک برای بنیاد استنلی^{۱۲} حتی سناریویی را برای تهاجم نظامی آمریکا و ناتو به پاکستان در صورت سرنگونی قهرآمیز دولت ژنرال مشرف مطرح کرده بودند

ولی در عین حال به تفاوت‌های میان پاکستان و عراق چه از نظر جمعیت (۱۵۰ میلیون نفر در برابر حدود ۲۰ میلیون) و وسعت دو برابر پاکستان نسبت به عراق اشاره کرده و به دشواری زیاد این طرح در مقایسه با عملیات در عراق پرداختند.

در نگاه کلی مقامات امریکایی هنوز می‌توان به توانایی دولت پاکستان در تأمین امنیت زرادخانه هسته‌ای خود اطمینان کرد. هفته‌نامه تایم در شماره ۶ نوامبر ۲۰۰۷ خود در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا تسلیحات هسته‌ای پاکستان در دستان ایمن قرار دارند؟» نوشت: هرگاه پرسشی در باب امنیت زرادخانه هسته‌ای پاکستان مطرح می‌شود، پاسخ مقامات آمریکا این است که تسلیحات این کشور در دستان ایمن قرار دارند. زیرا فرماندهان رده بالای پاکستان دارای پیوندهای نزدیک با آمریکا و بریتانیا هستند. ژنرال پرویز مشرف تحصیل کرده بریتانیاست و ژنرال اشفق پرویز کیانی، جانشین نظامی وی تحصیلکرده ایالات متحده است. با این وجود آمریکا با نسل جدید افسران پاکستانی که در دوران ده‌ساله اعمال تحریم‌های نظامی آمریکا علیه این کشور رشد سلسله‌مراتبی داشته‌اند، مشکل خواهد داشت. مقامات امریکایی از این

9. Michael O'Hanlon 10. Brookings

11. Fredrick Kagan 12. Stanley Foundation

بیم دارند که این افسران علایقی نسبت به القاعده و طالبان داشته باشند. باوجود این نگرانی مقامات امریکایی کماکان اطمینان خود نسبت به ژنرال مشرف را بروز می دهند. وی در گفتگویی با هفته نامه نیوزویک در پاسخ به پرسشی در مورد میزان حمایت جورج بوش از او گفته است «من فکر می کنم او بزرگ ترین حامی من و دوستی صمیمی است. باید بگویم که او اوضاع پاکستان را کاملاً درک می کند».

تمهیدات ایالات متحده و پاکستان برای تأمین امنیت هسته ای این کشور

ایالات متحده از زمان برملا شدن فعالیت های شبکه عبدالقدیرخان در زمینه فروش اطلاعات و فناوری های هسته ای به کشورهای دیگر با چالشی هم سنگ با چالش مبارزه با تروریسم مواجه شده است که بخش مهمی از آن نیز در پاکستان جریان دارد، اگرچه نگرانی های امریکا در مورد پاکستان هسته ای از هنگام آزمایش های هسته ای این کشور وجود داشته است.

روزنامه نیویورک تایمز در شماره مورخ ۱۷ نوامبر ۲۰۰۷ در گزارشی در خصوص کمک های دولت بوش به پاکستان در زمینه تأمین امنیت تأسیسات و تسلیحات هسته ای این کشور نوشت: «در سال گذشته دولت بوش بیش از ۱۰۰ میلیون دلار برای این منظور هزینه کرده است.

برنامه کمک به تأمین امنیت تأسیسات هسته ای پاکستان کاملاً محرمانه بوده و در واشنگتن نیز افراد زیادی از آن باخبر نبوده اند. در قالب این برنامه تجهیزات بسیاری از هلی کوپتر گرفته تا دوربین های دید در شب و تجهیزات ردیابی هسته ای در اختیار پاکستان قرار گرفته است. با این وجود دولت پاکستان مطالب مندرج در روزنامه نیویورک تایمز را تکذیب کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان در عین حال گفت: «کسب اطمینان از انجام تمامی اقدامات لازم برای تأمین امنیت هسته ای در جهت منافع همه است، پاکستان و ایالات متحده همکاری متقابل خوبی با یکدیگر داشته اند که اساساً دارای ماهیت آموزشی و تبادل ایده ها برای تقویت امنیت و مراقبت می باشد». وی افزود که پاکستان به عنوان قدرتی هسته ای مسئول، همواره بیشترین اهمیت را برای تأمین دارایی های استراتژیک خود قائل بوده است.

به هر حال گفته می شود که ایالات متحده از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون تقریباً ۱۰ میلیارد دلار به پاکستان کمک کرده است و همان طور که در بالا آمد بخشی از آن صرف مسائل امنیتی تأسیسات هسته ای پاکستان شده است.

باوجود این تأییدها و تکذیب ها نمی توان کتمان نمود که با تزلزل رژیم ژنرال مشرف نگاه دنیا معطوف به مسئله امنیت زرادخانه هسته ای

پاکستان شده است که همواره به عنوان

بی‌ثبات‌ترین قدرت هسته‌ای جهان از لحاظ مسائل سیاسی شناخته می‌شده است. البته کناره‌گیری مشرف از رهبری نظامی این کشور حداقل این حسن را داشت که اوضاع را کمی آرام کند. اما نگرانی از این موضوع است که امکان دارد فناوری تسلیحاتی یا مواد سازنده تسلیحات هسته‌ای به دست نامجرمان بیفتد.

مقامات امنیتی مسئول حفاظت از برنامه هسته‌ای پاکستان عقیده‌ای متفاوت دارند. یکی از این مقامات در مصاحبه‌ای به تشریح یک سیستم چندلایه پرداخته است که طی دو سال گذشته به وجود آمده و کوشیده است تا جلوی انواع انحرافات مشکل‌ساز در میان دانشمندان و کارکنان شاغل به کار در تأسیسات هسته‌ای پاکستان را بگیرد. به گفته وی تعدادی از دانشمندان متمرکز بازداشت شده‌اند که اسرار هسته‌ای پاکستان را فروخته و یا اینکه با رهبران القاعده تماس‌هایی داشته‌اند.

سیستم چندلایه مورد اشاره که برای حفاظت و مراقبت از تأسیسات هسته‌ای پاکستان مورد استفاده قرار گرفته است شباهت زیادی به سیستم موجود در ایالات متحده دارد، با این تفاوت که بیشترین تمرکز آن بر پاک‌سازی این تأسیسات از وجود افرادی است که دارای گرایش‌های به شدت مذهبی هستند و در حال

افزایش‌اند.

یکی از لایه‌های سیستم یادشده بررسی صلاحیت افراد شاغل و یا در حال استخدام در تأسیسات هسته‌ای است که براساس الگوی ارائه شده توسط امریکا تنظیم یافته است. این برنامه به گزینش افراد با هدف ریشه‌یابی نقاط ضعف انسانی افراد نظیر شهوت پرستی، حرص و آز و فقر و محرومیت می‌پردازد؛ نقاط ضعفی که ممکن است فرد را به جانب فروش اسرار ملی سوق دهد. با این وجود در برنامه رسیدگی به صلاحیت در پاکستان توجه به میزان تعصبات دینی فرد از شدت بیشتری برخوردار است. به طور مثال به گفته یکی از مقامات امنیتی پاکستان اخیراً فردی از کارکنان تأسیسات هسته‌ای این کشور به دلیل تشویق همکاران به شرکت در راهپیمایی یکی از احزاب مذهبی از کار برکنار شد. اگرچه فرد مذکور هیچ کار خلاف قانونی مرتکب نشده بود ولی رفتار وی بسیار نگران‌کننده به نظر آمد.

ظاهراً مقامات امنیتی پاکستان خطوط قرمزی را برای افرادی ترسیم می‌کنند که می‌کوشند عقاید و باورهای مذهبی خود را به دیگران به‌ویژه در محل کار القا نمایند و همکاران خود را تشویق به شرکت در راهپیمایی‌های احزاب سیاسی کنند در حالی که ادای فرضیه نماز هیچ‌گونه منعی ندارد.

بسیاری از کارشناسان، خطر نفوذ افراطیون مسلح در تشکیلات هسته‌ای یا سرقت تسلیحات را محتمل نمی‌دانند ولی ترس آنان از تحریک فزاینده جوانان دانشجویی است که از نظر مذهبی محافظه‌کارتر شده و به دلیل تهاجم امریکا به افغانستان و عراق احساسات ضد امریکایی در آنان شدت بیشتری یافته است. بخشی از این جوانان را دانشجویان دانشگاه قائد اعظم تشکیل می‌دهند که این جوانان را برای اشتغال در برنامه هسته‌ای پاکستان تربیت می‌کنند.

به عقیده رابرت آینهورن^{۱۳} مشاور ارشد مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی واشنگتن و معاون سابق وزیر امور خارجه امریکا در امور اشاعه تسلیحات هسته‌ای: «ممکن است با کشیدن دیوار مرتفع و برقراری یک سیستم پیشرفته حفاظتی، امنیت فیزیکی تأسیسات هسته‌ای را تأمین کرد اما دفاع در مقابل افراد فعال درون تشکیلات بسیار دشوارتر است.»

پاکستان علاوه بر بررسی صلاحیت کارکنان، اقدام به نصب دستگاه‌های اسکرن اثر انگشت و عنبیه چشم در مدخل ورودی تأسیسات هسته‌ای، مشابه دستگاه‌های مورد استفاده در سایر کشورهای دارنده تسلیحات هسته‌ای نموده است. با این وجود مهندسان پاکستانی نوع خاصی از قفل پیچیده

الکترونیکی^{۱۴} مشابه نوع امریکایی آن ولی با ویژگی‌های متفاوت ساخته‌اند تا جلوی فرمان‌های غیرمجاز برای پرتاب ناخواسته موشک‌های مجهز به تسلیحات هسته‌ای و یا استفاده از آنها به روش‌های دیگر را بگیرند.

پاکستان علاوه بر تمهیدات سخت‌افزاری در سیستم فرماندهی خود اصلاحاتی را در جهت تأمین امنیت تأسیسات و تسلیحات هسته‌ای به وجود آورده است. ژنرال مشرف بعد از سرنگون کردن دولت نواز شریف در سال ۱۹۹۹ شورای امنیت ملی را تشکیل داد. این شورا در سال ۲۰۰۰ با برقراری بازرسی‌های جامع‌تر تحت نظارت بخش طرح‌های استراتژیک، کنترل خود را بر همه آزمایشگاه‌های هسته‌ای اعمال کرد. بخش طرح‌های استراتژیک^{۱۵} ارتش پاکستان از ۸۰۰۰ نفر نیرو برای حفاظت از تسلیحات هسته‌ای پاکستان و مواد شکافت‌پذیر استفاده می‌کند.

ایالات متحده و پاکستان پس از واقعه ۱۱ سپتامبر با تبادل اطلاعات درباره امنیت هسته‌ای موافقت کردند و این امر منجر به کمک‌های امریکا به این کشور در این زمینه به ویژه آموزش‌های فنی کرد.

13. Robert Einhorn

14. Permissive Action Links (PALs)

15. Strategic Plans Division (SPD)

از دیگر اقدامات ژنرال پرویز مشرف پس از رسیدن به قدرت انجام اصلاحاتی در بوروکراسی هسته‌ای پاکستان بود. وی در این راستا «مرجع فرماندهی ملی»^{۱۶} را ایجاد کرد و وظایف دبیرخانه آن یعنی «بخش طرح‌های استراتژیک» را که از سال ۱۹۹۸ نظارت بر برنامه هسته‌ای را عهده دار شده بود، سازماندهی مجدد کرد. علاوه بر این یک سیستم فرماندهی و کنترل متمرکز نیز در این تشکیلات به وجود آورد.

با تمامی این تمهیدات که توسط دولت مرکزی پاکستان و همچنین کمک‌های مالی، آموزشی ایالات متحده اندیشیده شده است. وجود افکار افراطی همسو با تندروهای مذهبی نظیر القاعده و طالبان آینده مبهمی را پیش روی تسلیحات هسته‌ای پاکستان قرار می‌دهد. کما اینکه احزاب تندروی اسلام‌گرای پاکستان با شور و حرارت زیاد به برنامه هسته‌ای پاکستان به عنوان وسیله‌ای برای کشورهای مسلمان برای مبارزه با هژمونی امریکامی‌نگرند و هیچ‌اعتنایی به نگرانی دولت در خصوص امنیت این تسلیحات از خود بروز نمی‌دهند. حزب جماعت اسلامی، بزرگ‌ترین حزب اسلامی پاکستان هنگام بازداشت عبدالقدیرخان، دولت این کشور را مورد نکوهش قرار داده و این عمل را ظلم در حق یکی از بزرگ‌ترین خادمان پاکستان و دقیقاً در جهت ارضای دولت امریکا

قلمداد نمود.

آینده مبهم و سناریوهای احتمالی

ایالات متحده در طول سال‌های دهه ۱۹۹۰ تحریم‌هایی را علیه پاکستان اعمال کرده بود که بخش عمده آن شامل کمک‌ها و همکاری‌های نظامی با این کشور می‌شد. این فاصله ده‌ساله بین دو کشور سبب گردید که افسران جوان پاکستان فرصت آموزش در ایالات متحده را به دست نیاورند. در مقابل اوج‌گیری احساسات دینی در پی قدرت گرفتن طالبان در افغانستان این جوانان را نیز جذب خود کرد. در چنین شرایطی پاکستان به بمب هسته‌ای دست یافت. اتمی شدن یک کشور مسلمان که علت وجودی آن مسلمانی ملت بود و نخستین کشوری بود که نام جمهوری اسلامی بر خود نهاده بود، زنگ خطری را برای جهان غرب به صدا درآورد. اما این خطر تا واقعه ۱۱ سپتامبر چندان مورد توجه قرار نگرفت. از این پس بود که مقامات غربی به ویژه امریکایی به خطر بالقوه امکان دستیابی نیروهای اسلام‌گرای افراطی به سلاح هسته‌ای متمرکز بیشتری نشان دادند. جورج بوش پس از واقعه ۱۱ سپتامبر با اعلام اینکه هر که با ما نیست برماست، مقامات پاکستانی را بر سر دوراهی بسیار سختی از نظر تصمیم‌گیری قرار داد.

16. National Command Authority

پاکستان وجود طالبان را در افغانستان برای خود مفید و حتی ضروری می‌دانست و از طرف دیگر مقابله با تصمیم امریکا برای سرکوب طالبان می‌توانست عواقب سختی را برای این کشور از جمله در مورد تسلیحات و تأسیسات هسته‌ای در پی داشته باشد. ژنرال مشرف خواست بوش برای همکاری در حمله به افغانستان را اجابت کرد و بوش نیز متقابلاً خطر هسته‌ای پاکستان را به حاشیه راند و تحریم‌ها را از این کشور برگرفت.

اگر اقدامات امریکا و هم‌پیمانان این کشور در افغانستان منجر به سرکوب نهایی اسلام‌گرایی افراطی در افغانستان و همچنین پاکستان می‌شد، شاید احساس خطر از تسلیحات هسته‌ای پاکستان برای غرب به حداقل می‌رسید ولی ناکامی ائتلاف غرب در نبرد علیه تروریسم در افغانستان و شدت گرفتن فعالیت افراطیون مذهبی در پاکستان به ویژه در منطقه وزیرستان، نگرانی‌ها در این خصوص را به اوج خود رسانده است. به گونه‌ای که اخیراً مقامات ایالات متحده ناتو اظهار تمایل کرده‌اند راساً در ایالت‌های شمالی پاکستان به ویژه در مناطق قبیله‌ای این کشور وارد عمل شده و افراطیون مذهبی در این مناطق را سرکوب کرده و احیاناً ریشه‌های طالبان و القاعده در آنجا را از بین ببرند. ژنرال مشرف در واکنش به این تصمیم

در مصاحبه‌ای مطبوعاتی با یک روزنامه چاپ سنگاپور با انتقاد از هرگونه اقدام نظامی ایالات متحده در مناطق قبایلی پاکستان این عمل را مصداق حمله به تمامیت ارضی این کشور و امنیت ملی آن تلقی کرد. این در حالی است که چندی پیش روزنامه نیویورک تایمز در خبری اعلام کرده بود که دیک چنی، کاندولیزا رایس و تنی چند از مشاوران بوش در صدد ارائه طرحی هستند که بر اساس آن با افزایش اختیارات سیا و ارتش ایالات متحده این دو نهاد بتوانند در مناطق قبیله‌ای پاکستان علیه تروریست‌های القاعده و طالبان وارد عمل شوند. در عین حال نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا نیز در نطق‌های انتخاباتی خود به احتمال نفوذ تروریست‌ها در تأسیسات هسته‌ای پاکستان اشاره داشته‌اند.

ویلیام آرکین در مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن پست مورخه ۲۶ دسامبر ۲۰۰۷ تحت عنوان «سربازان امریکایی راهی پاکستان می‌شوند»، به این نکته پرداخته است که: «انتظار می‌رود نیروهای ویژه امریکا حضور خود را در پاکستان به گونه‌ای وسیع‌تر گسترش دهند. این گسترش بخشی از تلاش به منظور آموزش و حمایت از نیروهای ضدشورش بومی و یگان‌های مخفی ضدتروریسم است.» وی در عین حال خاطرنشان می‌کند که بر اساس

اظهارات منابعی از پنتاگون، رسیدن به توافقی تازه با پاکستان در اولویت فرمانده جدید فرماندهی عملیات ویژه امریکا در یاسالار اریک تی اولسون قرار گرفته است. بر اساس این توافق که گفته می‌شود نهایی شده است، نخستین پرسنل امریکایی می‌توانند در اوایل سال جدید میلادی در پاکستان استقرار یابند. از سوی دیگر پروفیسور میشل شوسودوفسکی در مقاله‌ای تحلیلی تحت عنوان «بی‌ثبات شدن پاکستان» منتشره در سایت اینترنتی گلوبال ریسرچ نوشته است: شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که ترور بی‌نظیر بوتو توسط مقامات امریکایی پیش‌بینی شده بود. از چند ماه پیش توجه دولت بوش چینی و متحدان آن در حال مانور برای تقویت کنترل سیاسی خود بر پاکستان و هموار کردن راه برای گسترش و تعمیق «جنگ علیه تروریسم» در سراسر منطقه بودند. وی می‌افزاید این دیدگاه که رژیم نظامی می‌تواند وضعیت موجود را تثبیت کند، دیگر مورد اعتماد سیاست خارجی امریکا نیست. رژیم پرویز مشرف دیگر قادر به اجرای این سیاست نیست. حکومت غیرمستقیم ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی پاکستان باید جای خود را به شکل‌های مستقیم از دخالت بیشتر امریکا در این کشور و از طریق حضور نظامی امریکا در پاکستان بدهد.

ریک موران^{۱۷} صاحب نظر دیگری خبر

می‌دهد که نیروهای ویژه امریکا با احساس خطر از سلطه احتمالی نیروهای تندروها بر تسلیحات هسته‌ای یا به اوج رسیدن هرج و مرج در پاکستان به حالت آماده باش درآمده‌اند و اقدامات زیر صورت پذیرفته است:

- گردان‌های ضربت نیروهای ویژه امریکا^{۱۸} برای در اختیار گرفتن کنترل زرادخانه هسته‌ای پاکستان، در صورت از دست رفتن اقتدار دولت مرکزی و یا بروز جنگ داخلی در پی ترور خانم بوتو در آماده باش به سر می‌برند؛

- یگان‌های تقویت شده این نیروها، تحت هدایت دانشمندان داوطلب از سازمان تیم بررسی اضطراری هسته‌ای امریکا^{۱۹} آماده‌اند تا کنترل حدود ۶۰ کلاهک هسته‌ای موجود در بین شش تا ده پایگاه به شدت تحت حفاظت پاکستان را در دست گیرند.

- به گفته منابع نظامی طرح‌های عملیات نظامی برای جلوگیری از دست‌یابی تندروهای اسلامی به تسلیحات اتمی پاکستان در صورت سقوط دولت پرویز مشرف، مرور شده‌اند؛

17. Rick Moran

18. U.S. Special Force Snatch Soudge

19. America's Nuclear Emergency Search Team Organization

برساند و هم به خودی. این کشور هیچ گاه چون سال‌های اخیر دچار هرج و مرج سیاسی، بی‌نظمی و تروریسم نبوده است. استیلائی نظامیان بر پاکستان در کنار هم پیمانی این کشور با غرب و به ویژه ایالات متحده از میزان شکنندگی سیاسی این کشور می‌کاست، اگرچه به دلیل همین استیلا پاکستان هیچ گاه نظیر همسایه و رقیبش هند از مردم‌سالاری در خور توجهی برخوردار نشد و نیاز به قدرت سر نیزه برای حفظ امنیت داخلی و خارجی همواره در این کشور احساس شد.

پاکستان تا زمانی که قدرتی هسته‌ای نشده بود نگرانی چندانی را در غرب به وجود نمی‌آورد و جنگ‌های این کشور با هند نیز در چهارچوب منازعات مرزی بین دو کشور تعریف می‌شد و نمی‌توانست زمینه‌ساز بروز بحرانی همه‌جاگیر گردد. ولی در فاصله کوتاهی از دستیابی این کشور به تسلیحات هسته‌ای و واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پاکستان رفته رفته تبدیل به بمبی ساعت شمار شد که این بار خطر آن نه تنها متوجه منطقه جنوب آسیا بلکه سراسر دنیا شده است. دستیابی احتمالی عناصر افراطی مذهبی به تسلیحات هسته‌ای و یا فناوری آن می‌تواند تبعات بسیار موحش و غیرقابل کنترلی را در پی آورد. در نتیجه از هم‌اکنون باید انتظار داشت طراحان استراتژی نظامی در غرب در تلاش

- گفته می‌شود تعدادی از نیروهای ویژه آمریکا در حال حاضر در منطقه مجاور با مرزهای پاکستان در افغانستان مستقر شده و آماده انجام مأموریت هستند.

- کنترل و مراقبت ماهواره‌ای پاکستان شدت بیشتری یافته است تا جابه‌جایی احتمالی تسلیحات هسته‌ای و سامانه‌های موشکی حمل‌کننده این تسلیحات کشف و مسیر جابه‌جایی ردیابی گردد.

نگرانی امریکایی‌های از آن است که اگرچه اجزای مختلف تسلیحات نظیر کلاهک، چاشنی و سامانه حمل به صورت جداگانه از یکدیگر نگهداری می‌شوند ولی در صورت بروز بحران می‌توان آنها را به سرعت به یکدیگر متصل نمود. شایان ذکر است که یکی از مأموریت‌های اصلی و تعریف‌شده نیروهای ویژه ایالات متحده انجام عملیات نفوذ به تأسیسات هسته‌ای، اشغال آنجا، بازداشت دانشمندان و کارکنان، در اختیار گرفتن تأسیسات و تسلیحات و انهدام آنها در صورت ضرورت می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

پاکستان نه مثل سایر قدرت‌های هسته‌ای ولی به هر حال عضو باشگاه این قدرت‌هاست و سلاحی را که در اختیار دارد نظیر شمشیر دولبه‌ای می‌ماند که هم می‌تواند به خصم آسیب

همین امر آمران انجام چنین عملیاتی را به اندیشه واداشته و دچار تردید می‌نماید. از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد که امریکا کماکان در پی تقویت ژنرال پرویز مشرف تا یافتن جایگزینی مقتدر به جای وی در رأس حکومت پاکستان باشد.

منابع فارسی

- ۱- روزنامه کارگزاران، (دی ماه ۱۳۸۶) شماره ۱۲، ص ۴.
- ۲- روزنامه اعتماد ملی، (آذر ۱۳۸۶) شماره ۲۷، ص ۱۵.
- ۳- همشهری دیپلماتیک: (نیمه آذر ۱۳۸۶) «رابطه ژنرال مشرف و ایالات متحده»، سال دوم، شماره بیستم، ص ۳۲.
- ۴- همشهری دیپلماتیک: (نیمه آذر ۱۳۸۶) «بازنگری استراتژی غرب در بستر سیاست‌های امنیتی پاکستان»، سال دوم، شماره بیستم، صص ۱۸ و ۱۷.
- ۵- روزنامه کارگزاران، (۲۳ دی ماه ۱۳۸۶)، ص ۴.

منابع لاتین

1. Alex Stolar, (May 24, 2007) "Are Pakistan Bombs Safe", www.rediff.com
2. Are Pakistan's Nukes in Safe Hands?, www.time.com
3. op.cit., Peter Wonocott
4. Peter Wonocott, (November 29, 2007) "Inside Pakistan's Drive to It's A - Bonbss", **The Wall Street Journal**, p. A9
5. Prof. Michael Chossudovsky, (December 30, 2007) "The Destabilization of Pakistan", www.globalresearch.ca
6. Rich Moran, (December 31, 2007) "Special forces on Alert for Pak Nuke Crisis", www.Americanthinker.com
7. William M. Arkin, (December 26, 2007) "U.S. Troops to Head to Pakistan", **Washington post**.
8. Xinhva, (Nov 19, 2007).

برای پیشگیری از وقوع این حادثه غیرقابل کنترل باشند. امریکا و ناتو در افغانستان حضور فیزیکی پرحجمی دارند. پایگاه هوایی بگرام در نزدیکی کابل می‌تواند تبدیل به پایگاهی ضربتی برای اقدامات اضطراری در پاکستان گردد. نیروهای ویژه ایالات متحده که هم‌اکنون در افغانستان حضوری فعال دارند براساس مأموریت‌های تعریف شده قادرند به سرعت در مناطق مورد نظر وارد عمل شده و دست به عملیات تخریبی در تأسیسات هسته‌ای پاکستان بزنند. انجام آنچه در فوق برشمردیم با توجه به برتری فوق‌العاده فنی تسلیحات و تجهیزات نظامی و همچنین سطح بالای آموزشی نیروهای عمل‌کننده می‌تواند تا حدود زیادی قرین موفقیت باشد ولی وجود عواملی نظیر گستردگی ارضی، طولانی بودن مرزهای زمینی، کثرت جمعیت و وضعیت خاص جغرافیایی می‌تواند بر عملیات مورد نظر تأثیر جدی گذاشته و حتی آن را به شکست بکشاند. از آنجایی که عملیات دستیابی به تأسیسات و تسلیحات هسته‌ای پاکستان باید به طور کامل و صددرصدی به توفیق انجامد تا احتمال خروج این تسلیحات از کشور و دستیابی گروه‌های تروریستی به آن را به حد صفر برساند میزان خطرپذیری شروع عملیات تهاجمی علیه دارایی‌های هسته‌ای پاکستان بسیار بالاست و